

تذات ناضی

سیامک اسعدی



سرشناسه: اسعدی، سیامک، ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدیدآور: تئاتر ناصری / سیامک اسعدی. - مشخصات نشر: تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۲. مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص. - شابک: ۰۰-۱۴-۶۰۴۷-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیا- موضوع: داستان های فارسی - قرن ۱۴ موضوع: ایران- تاریخ- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - داستان... رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ PIR ۷۹۵۳ ت ۲۴۶۶ س / - رده بندی دیویی: ۳/۶۲-۸۶- شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۱۲... تئاتر ناصری... سیامک اسعدی مدیر اجرایی: تینا حمیدی... ویراستار: فاطمه زمانی... طراحی کتاب: استودیو کارگاه- محیا کتابچی... اجرا: طرح فرنوش... مدیر تولید: بهاره جعفری... لیتوگرافی و چاپ: نقره آبی... شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه... چاپ یکم: پاییز ۱۳۹۳ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان... نشر هنوز، تهران، صندوق پستی: ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵... تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه ی کتبی ناشر است ... info@hanoozpub.com... www.hanoozpub.com

سیامک اسعدی
در سال ۱۳۲۳ در مشهد
به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۱
در رشته‌ی تغذیه و بهداشت
صنایع از دانشگاه تهران
فارغ التحصیل شد.
از سال ۱۳۴۸ به عنوان
کارشناس فعالیت خود را آغاز
کرد و تا سال ۱۳۶۳ در
وزارت کشاورزی در مقام
مدیر اجرایی صنایع تبدیلی
به فعالیت خود ادامه داد.
هم‌چنین در بخش خصوصی در
زمینه‌ی طراحی و اجرای
پروژه‌های صنایع غذایی
و تبدیلی مشغول به کار شد.
در سال‌های اخیر به
نویسندگی پرداخته است که
حاصل تلاش‌های او
۱۸ عنوان رمان، فیلم‌نامه و
نمایش‌نامه است.

دیباچه

نوشته‌ی حاضر حکایتی از چگونگی شکل‌گیری اولین تیاتر ایرانی با استفاده از منابع اروپایی و اجرای تیاتر به سبک فرنگی است.

نگارنده در پرداخت این قصه البته به مستندات تاریخی توجه دارد، ولی چون بضاعت تاریخ در این رابطه محدود بوده، و با توجه به زمان وقوع داستان در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۲۷ تا ۱۲۷۴ شمسی (معادل با ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری)، دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، بضاعت محدودتری از تاریخ هزینه شده، لذا احتمال دور شدن از مستندات وجود دارد؛ ولی به‌هر حال داستان، ولو تا حدودی تخیلی، در بستر و زمانی واقعی تعریف می‌شود.

آن‌چه مسلم است، تا دوران فوق، تیاتر و حتی محل مناسبی برای اجرای تیاتر وجود نداشته است؛ با وجود این، گونه‌های مختلفی از کارهای نمایشی از قبیل معرکه‌گیری، خیمه‌شب‌بازی، تماشای تقلید، مطربی، تخت حوضی، نقالی، نوروزی‌خوانی، شمایل‌گردانی و قوالی و مهم‌تر از همه تعزیه و شبیه‌خوانی مرسوم بود و نیز در اجرا اشخاصی چون لوطی جبار اردبیلی، شیخ شیپور، شیخ کرنا، اسماعیل بزّاز و بالاخره کریم‌شیره‌ای شهرت بیشتری داشتند.

در سال ۱۲۶۳ شمسی، «تکیه‌ی دولت» در ضلع جنوب غربی کاخ گلستان با گنجایش حدود بیست‌هزار نفر ساخته شد، که محلی برای اجتماعات، عزاداری و مراسم مختلف بود.

همه‌ی امور به‌همت شخصی به‌نام استاد که بعد به «معین البکاء» ملقب شد انجام

می گرفت، وی همه کاره‌ی مراسم بود و از نگارش متون تا بازیگری و بالاخره مدیریت کار را رأساً به عهده داشت.

در ارتباط با تیاتر، پس از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ و بعد از قتل گریبایدف وزیر مختار روسیه در یک بلوای عمومی در ایران به سال ۱۲۴۴، گروهی از صاحب منصبان ایرانی برای عذرخواهی به روسیه رفتند. آن‌ها از تیاتر فرنگی در روسیه بازدید کردند و با این مقوله آشنا شدند.

پیش‌تر، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۷-۱۱۹۱ ه.ش) که در گرجستان مقیم بود و کار تیاتر می‌کرد، اولین نمایشنامه‌اش را به زبان غیرفارسی می‌نوشت و بعد میرزا آقا تبریزی در حوالی سال ۱۲۵۰ ه.ش چند نمایشنامه به زبان فارسی به نگارش درآورد که هر دو به عنوان پیش‌فراولان نمایشنامه‌نویسی در تاریخ ماندگار شدند.

فکر احداث اولین سالن برای تماشاخانه، توسط علی اکبرخان مزین‌الدوله در سال ۱۲۶۵ در محل دارالفنون به انجام رسید. در این سال وی سالتی را به سبک و سیاق تیاترهای اروپایی با گنجایش حدود سیصد نفر تأسیس کرد.

میرزا علی اکبرخان نقاشی که بعدها به مزین‌الدوله ملقب شد، در دوازده سالگی و در دوران ناصری به پاریس اعزام شد و از دارالصنایع پاریس دیپلم گرفت و در آن‌جا نزد «انگر» به تعلیم نقاشی پرداخت.

وی که در نقاشی، موسیقی، تیاتر و زبان فرانسه تبحر یافت، در بازگشت به دستور شاه در دارالفنون به تدریس پرداخت و کمال‌الملک یکی از شاگردان او بود. بعدها مزین‌الدوله کتاب هارمونی و تئوری موسیقی نوشته‌ی ژنرال لومر فرانسوی و مربی کلّ دسته‌های «موزیکانچی» قشون و دربار را به فارسی ترجمه کرد و در مطبعه‌ی دارالفنون به چاپ رسانید.

او دارای نشان درجه یک «لژیون دونور»، نشان بزرگ «زیتون» فرانسه از ناپلئون سوم، صلیب آبی از ویلهلم، پادشاه آلمان، نشان سنت استانیلاس از تزار روس، نشان ویکتوریا از پادشاه انگلیس و نشان درجه یک علمی از فرانتس یوزف، پادشاه اتریش، بود. مزین‌الدوله را باید بانی تیاتر به طرز فرنگی در ایران دانست. او پس از تأسیس تیاتر

دارالفنون خود نمایشنامه‌ی گزارش مردم‌گریز مولیر را به‌طور خصوصی در این محل برای شاه و خانواده‌ی سلطنتی اجرا کرد.

کمی بعد دسته‌ی اسماعیل‌باز تیاتر طبیب/جباری مولیر را اجرا کردند. از ابتدا این گونه نمایش‌ها به‌عنوان امری انحرافی و قبیح مورد مخالفت عده‌ای قرار گرفت، علی‌رغم زمینه‌سازی و توجیهات و تفاسیر مختلف در باب این که تیاتر می‌تواند در شکل، آیینی، مقبحات عموم باشد و نمایش افعال انحرافی موجب انفعال منحرف و تهذیب جامعه شود؛ ولی به‌دلیل پافشاری مخالفان، این سالن بعد از کمتر از پنج سال، در سال ۱۲۷۰ تعطیل شد.

در این نوشته، فرض بر این گرفته شده که با مفتوحیت مجدد این سالن، نمایش/تتلو به‌عنوان اولین تیاتر نوآور از متنی فرهنگی، در آن به اجرا درآمده است، نمایشنامه‌ای از یک نویسنده‌ی انگلیسی، که این خود می‌تواند با توجه به نفوذ آثار فرانسوی، خصوصاً آثار مولیر، این فرض را تقویت کند.

لازم به ذکر است که این نمایشنامه بالاخره به‌فاصله‌ی حدود چهارده سال بعد از ترور ناصرالدین شاه و در اوایل سلطنت احمدشاه، در اروپا توسط ابوالقاسم خان ناصرالملک به فارسی ترجمه شد. او در سال ۱۲۹۳ پس از پایان تصدی نیابت سلطنت به اروپا رفت و در آنجا به این مهم دست یافت. وی این اثر را تحت نام *داستان غم‌انگیز اتلوی مغربی در وندیک به‌درستی ترجمه کرده است*.

این کتاب در مطبعه‌ی ملی پاریس به سال ۱۹۶۱ میلادی به چاپ رسید. وی در برگشت به ایران، در سال ۱۳۰۶ در طهران فوت کرد.

پنج سال بعد از فوت او، پاپازیان، هنریشه‌ی روسی که در اجرای نمایشنامه‌های شکسپیر تخصص داشت، به طهران آمد و از روی نسخه‌ی خطی این ترجمه، با همکاری جمعی از بازیگران جوان ایرانی، آن را به‌اجرا درآورد و خود نقش اتللو را بازی کرد.

جالب است که چون او فارسی نمی‌دانست، دیالوگ‌های خود را به زبان فرانسه می‌گفت و دیگر بازیگران به فارسی صحبت می‌کردند.

به لحاظ تاریخی، می‌شود این اجرا را اولین اجرای دوزبانه‌ی تیاتر در کشور به حساب آورد.

از طرفی پس از جنگ جهانی اول (۱۲۹۷ شمسی / ۱۹۱۸ میلادی) گروهی از بازیگران قفقازی و روسی به ایران آمدند و به اجرای تیاتر پرداختند، گرچه زبان آن‌ها عمدتاً ترکی و روسی بود، ولی چون در امر نمایش مسلط و در تکنیک تیاتر قوی بودند، توانستند اثرگذار باشند.

در آن زمان در ایران، صحنه‌ی تیاتر و نمایش عمدتاً به بازیگران روسی و ارمنی سپرده شد که توانستند تیاتر را از شیوه‌ی تقلید درآورده و به هنری وزین مبدل سازند. از طرفی به مرور حضور نسوان در این عرصه با ورود بانوانی مثل پری آقابایوف، مادام قسطنیان، سیرانوش و لرناس شکل جدی‌تری گرفت.

کمی بعدتر نمایشنامه‌هایی مثل سه روز در مالیه در گراندهتل اجرا شد تا این که «کمدی ایران» توسط کمال‌الوزاره با همکاری سیدعلی نصر، محمود بهرامی، رفیع حالتی، فضل‌الله بایگان، غلامعلی فکری، اصغر گرمسیری و... تأسیس شد.

در این نوشته که شامل سه فصل است، در «باب اول» به سومین سفر ناصرالدین‌شاه قاجار و ملتزمین به فرنگ پرداخته می‌شود که عملاً اولین بار توجه شاه به تیاتر به سبک اروپایی در این سفر جلب می‌شود، و به این بهانه با نگاهی طنزگونه به گوشه‌هایی از زندگی شاه و دربار و اطرافیان شاه اشاراتی می‌شود که گاه موضوعات واقعی، طنزآلودتر و غیرقابل باورتر نمایانده شده و در نهایت بیشتر موجب انبساط خاطر می‌شوند.

در «باب دوم» به اجرای نمایشنامه‌ی *اتللو* به عنوان اولین نمایش تیاتر در ایران، به چگونگی تدارکات، زمینه‌سازی و رفع موانع اجتماعی برای اجرای تیاتر مذکور پرداخته می‌شود.

در «باب سوم»، به عنوان موخره، تکلمه‌وار به ذکر عواقب تاریخی و شخصی اتفاقیه بعد از دو باب اولیه و در زمانی بعد از وقوع داستان اصلی پرداخته می‌شود. به لحاظ نگارش سعی بر این بوده که نوشته حتی‌الامکان به نوع نگارش دوران

ناصری از جمله خاطرات روزانه‌ی اعتمادالسلطنه، خاطرات دوستعلی خان معیرالممالک و سایر وقایع نگارهای آن دوره نزدیک باشد.

از آن جایی که این نوع نگارش از جهات مختلف با نگارش متداول فعلی متفاوت و حتی گاه ناصحیح به نظر می‌رسد، و استفاده از واژه‌های امروزی در معانی دیگر، از جمله «صنعت» به جای «هنر»، «آفتاب گردان» به جای چتر، یا به کارگیری «ایلچی» به جای «سفیر»، «غره» به جای «نیمه»، «قمچی» به جای «تازیانه»، «مبلغی» به جای «مقداری» و از این قبیل، امید است خواننده به این مهم توجه داشته و عذر و اجبار نویسنده را بپذیرد.

نگارنده بر خود لازم می‌داند از کمک‌های بی‌دریغ و همفکری جناب آقای یوسف اسعد قدردانی نماید. بی‌شک بدون همراهی و مساعدت ایشان، نگارش این نوشته به تمامی امکان‌پذیر نبود.